



The Plea Bargaining in the Criminal Law of the US and Iran and its Effect on Diversion with a Jurisprudential Approach

Nima Kianersi¹, Mohsen Shekarchizadeh^{2*}, Masoud Zamani³

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 105-120

Article history:

Received: 28 Oct 2021

Edition: 18 Nov 2021

Accepted: 19 Feb 2022

Published online: 8 Mar 2022

Keywords:

Plea Bargaining, Criminal Law, Iran, USA, Diversion

Corresponding Author:

Mohsen Shekarchizadeh

Address:

Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Orchid Code:

0000-0001-8769-9798

Tel:

031-42292929

Email:

Mohsen.Shekarchi@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: The plea bargaining is one of the well-known approaches in the field of criminal law, which was first introduced in the United States and then has found a special place in legal systems. The purpose of the present study is to investigate the role of the plea bargaining in the criminal law of Iran and the United States and its effect on diversion, which is also examined from a jurisprudential perspective.

Materials and Methods: The method of the present study is descriptive-analytical as well as citing articles, books and related documents in the field of criminal and judicial law.

Ethical considerations: The present study has been written while preserving the rights of authors and observing the codes of writing ethics.

Results: Proponents of the plea bargaining see the agreement as a way toward diversion and crime reduction, while opponents emphasize the consequences such as presence coercion, conviction of innocents, and lack of guarantees from offenders.

Conclusion: Lack of comprehensive laws in this area in the United States has led to challenges such as the conviction of innocents. However, in the penal system of Iran, the existence of restorative justice capacities provides a good opportunity to acknowledge such an agreement. Therefore, the incorporation of this approach in the penal system of Iran, apart from reducing the volume of cases and court costs, elicits reintegrative shaming from the accused.

Cite this article as:

Kianersi N, Shekarchizadeh M, Zamani M. The Plea Bargaining in the Criminal Law of the US and Iran and its Effect on Diversion with a Jurisprudential Approach. *Economic Jurisprudence Studies* 2021-2022; Review on New Researches of Jurisprudence and Law.



مطالعات فقه اقتصادی

ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق ۱۴۰۰



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق، ۱۴۰۰

معامله اتهام در حقوق کیفری آمریکا و ایران و تأثیر آن بر قضا‌زدایی با رویکرد فقهی

نیما کیان ارثی^۱، محسن شکرچی‌زاده^۲، مسعود زمانی^۳

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: معامله اتهام یکی از رویکردهای شناخته شده در عرصه حقوق کیفری است که ابتدا در آمریکا مطرح شد و سپس جایگاه خاصی در نظام‌های حقوقی پیدا کرده است. هدف پژوهش حاضر نیز بررسی نقش معامله اتهام در حقوق کیفری ایران و آمریکا و تأثیر آن بر قضا‌زدایی است که از منظری فقهی نیز دنبال می‌شود.

مواد و روش‌ها: روش مطالعه حاضر توصیفی-تحلیلی و استناد به مقالات، کتب و اسناد مرتبط در حیطه حقوق کیفری و قضایی است.

ملاحظات اخلاقی: پژوهش حاضر با حفظ حقوق مؤلفین و رعایت اصول اخلاق نگارش به رشته تحریر درآمده است.

یافته‌ها: موافقان معامله اتهام آن را راهی برای قضا‌زدایی و کاهش جرایم دانسته و مخالفان بر پیامدهای آن از جمله اجبار در حضور، محکومیت بی-گناهان و فقدان تضامین از سوی مجرمان توجه نشان می‌دهند.

نتیجه: عدم قوانین جامع در این حوزه در آمریکا موجب شده است تا چالش‌هایی چون محکومیت بی‌گناهان ایجاد شود. اما در نظام کیفری ایران، وجود ظرفیت‌های عدالت ترمیمی فرصت مناسبی برای به رسمیت شناختن معامله اتهام است. از این‌رو، پیش‌بینی این نهاد در نظام کیفری ایران علاوه بر آنکه از حجم پرونده‌ها و هزینه‌های دادرسی می‌کاهد، موجب شرمساری بازپذیرنده متهم می‌شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۰۵-۱۲۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۶

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷

واژگان کلیدی:

معامله اتهام، حقوق کیفری، ایران، ایالات متحده آمریکا، قضا‌زدایی.

نویسنده مسئول:

محسن شکرچی‌زاده

آدرس پستی:

ایران، نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، گروه حقوق.
تلفن:

۰۳۱-۴۲۲۹۲۹۲۹

کد ارمک:

0000-0001-8769-9798

پست الکترونیک:

Mohsen.Shekarchi@gmail.com

۱. مقدمه

امروزه یکی از مشکلات اساسی نظام‌های حقوقی و دستگاه‌های مجری عدالت در هر جامعه‌ای، گسترش تعداد پرونده‌ها و حجم بالای مراجعات به دستگاه‌های قضایی است. علاوه بر این، سیاست‌های مربوط به اصلاح و بازپروری مجرمان نیز همواره نمی‌تواند راهگشا باشد. در کنار این مسائل، مسائل و مشکلات مربوط به نگهداری زندانیان نیز با دشواری‌های خاص خود روبرو است. برای حل این مشکل، دیدگاه‌ها و نظریات متعددی مطرح شده است. یکی از این راهکارها که امروزه بسیار مورد توجه است، معامله اتهام است. «معامله اتهام» به عنوان راهبرد واقعی قراردادی شدن فرایند کیفری، در یک نگاه متأملانه، نهادی است که معامله را وارد فرایند کیفری کرده است تا از طریق آن متهم بتواند از منافع داد و ستد استفاده کند. در این بستر، مقام‌های تعقیب و متهم در قالب یک معامله در شکل‌های مختلف هم‌چون پذیرش مجرمیت، تعدد اتهام، نوع اتهام یا تخفیف در میزان مجازات با یکدیگر داد و ستد می‌کنند تا هر دو طرف از این معامله سود کنند. با توجه به افزایش روزافزون نرخ جرم، ناکارآمدی نظام کیفری رسمی، اطاله دادرسی، نقض حقوق متهمان و بزه‌دیدگان در فرایند کیفری، استقرار برجسب مجرمانه و... معامله اتهام برای نخستین بار در نظام کیفری آمریکا مورد استفاده قرار گرفت. بزرگ‌ترین مزیت این نهاد، کاهش تراکم پرونده‌ها در مراحل مختلف دادرسی و در نتیجه کاهش حجم کاری پلیس، مقام تعقیب و قضات و کاهش جمعیت کیفری

زندانیان و مواردی از آن دست می‌باشد. از دیگر سو میزان تأثیر و آثار مثبت و منفی نهاد «معامله اتهام» بر عدالت کیفری، طول رسیدگی و میزان انطباق آن با نظریه‌های نوین جرم‌شناسی مانند عدالت ترمیمی، در کشورهایی که آن را به کار برده‌اند و تأثیرات احتمالی ناشی از ورود آن به سیاست و حقوق کیفری ایران قابلیت طرح و بررسی دارند. با این توضیحات باید گفت که معامله اتهام در حقیقت نوعی تفاهم الزامی میان نهاد تعقیب‌کننده جرم و متهم است؛ با این توضیح که با توجه به نوع جرم یا موجبات تشدید مجازات و در جهت سرعت‌دهی به روند رسیدگی یا پرهیز از تحمیل هزینه‌های گزاف بر دستگاه قضاء، دادستان به متهم پیشنهاد می‌دهد تا به ارتکاب جرم اقرار کند و در عوض از موجبات تشدید رهایی یابد یا تخفیف در مجازات در حق وی اعمال شود.

با این توضیحات، پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی معامله اتهام در حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا و حقوق داخلی ایران بپردازد. رویکرد اخیر با تأسی از آموزه‌های فقهی و در محدوده زمانی پس از انقلاب صورت می‌گیرد. بنابراین پژوهش حاضر به بررسی معامله اتهام، مصادیق و گونه‌های مرتبط با آن در حقوق کیفری آمریکا و ایران و تأثیر آن بر قضازدایی می‌پردازد. پرسشی که مطرح می‌شود این است که معامله اتهام و گونه‌های مختلف آن از چه راه‌هایی می‌توانند باعث قضازدایی در پرونده‌های کیفری و نظام قضایی شوند؟

۲. مواد و روش‌ها

برای بررسی موضوع حاضر از روش توصیفی-تحلیلی استفاده گردید که مطالب مورد نظر پژوهش نیز از طریق جمع‌آوری اطلاعات به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

پژوهش حاضر بر مبنای اصول اخلاقی در ارائه مطالب، گردآوری علمی و اخلاقی از مقالات، کتب و اسناد و عدم جانب‌داری در بیان دیدگاه‌ها انجام شده است.

۴. یافته‌ها

در قوانین کیفری آمریکا، نخستین بار نهاد معامله اتهام با تأکید بر شکل‌گیری گفت‌وگو و مذاکره میان متهم و دادستان به وقوع پیوست و به سایر نظام‌های حقوقی نیز تسری پیدا کرد. معامله اتهام یک تأسیس مبتنی بر سازش و توافق است که میان دستگاه قضایی و متهم منعقد می‌شود. این نهاد که جلوه‌ای از قراردادی شدن حقوق کیفری است، تلاش می‌کند تا در قالب ارائه یک راهبرد منطقی و پس‌روانه، منافع مقام تعقیب و متهم را تضمین کند. نقطه مرکزی در معامله اتهام و صور گوناگون آن در نظام حقوق کیفری ایران از جمله تخفیف و تعلیق مجازات، بهره‌گیری از مجازات تعزیری و

سرعت‌بخشی به پرونده‌های کیفری باعث شده تا نقش معامله اتهام در کاستن از تعداد پرونده‌ها و قضا‌دایی^۱ بسیار برجسته باشد. اثر دیگری که معامله اتهام در پی دارد، شیوه سازشی، مصالحه‌گرایانه و روادارانه‌ای است از قبل آن حاصل می‌شود. بدین معنا که متهم با پذیرش جرم و بزهکاری خود، درصدد جبران و اصلاح برآمده و از موضع نادمانه به مسأله بزهکاری نگاه می‌کند. امروزه که گسترش و حجیم شدن پرونده‌های قضایی یکی از دغدغه‌های نظام‌های حقوقی است، معامله اتهام با به کارگیری سیاست‌های کیفری میانجی‌گرانه و مبتنی بر گفت‌وگو می‌تواند مسیر جدیدی برای قضا‌دایی در نظر گرفته شود. این مسأله در فقه اسلامی با رویکرد آسان‌گیری نسبت به جرایم سهوی، تفکیک جرایم برحسب شرایط سنی متهم و برقراری عدالت کیفری نمود بیشتری پیدا کرده است. نتیجه دیگری نیز از معامله اتهام و گونه‌های مختلف آن قابل برداشت است و آن هم جلوگیری از اطاله دادرسی، کاستن از زمان روند رسیدگی به پرونده‌ها و همچنین برقراری عدالت کیفری از حیث زمانی است. به علاوه اینکه ندامت و پشیمانی متهم و یا بزهکار و تلاش وی برای جبران اعمال بزهکارانه نیز بخش دیگری از کارکرد معامله اتهام از پرونده‌های کیفری است.

^۱ قضا‌دایی در مراحل مختلف فرآیند کیفری از جمله در مرحله تعقیب متهم، بیان جرایم و تخلفات وی، اعمال مجازات و... به دنبال کاستن از هزینه‌ها، موارد رسیدگی و همچنین کاستن از تعداد پرونده‌ها در دستگاه‌های قضایی است. استدلال این است که در قضا‌دایی کاهش جمعیت کیفری، درک انسانی از جرم و برخوردی مبتنی بر کرامت با

بزهکاران صورت می‌گیرد. در واقع، نظام عدالت کیفری با بهره‌گیری از سازوکارهای قضا‌دایی در مراحل مختلف فرایند کیفری، باعث جلب اعتماد و استقبال گسترده عمومی می‌گردد. بدین ترتیب مردم به دستگاه عدالت کیفری تنها به عنوان مرجع و مصدر رسمی اعمال قدرت حکومت‌ها و اعمال ضمانت اجرا نمی‌نگرند (آشوری، ۱۳۸۲، ۲۴۸).

۵. بحث

۵-۱. معامله اتهام و معنای آن

معامله اتهام به لحاظ تاریخی ریشه در تحولات حقوقی ایالات متحده آمریکا دارد. در حقوق داخلی آمریکا استدلال می‌شود که دلایل متعددی برای بهره‌گیری از معامله اتهام وجود دارد که از جمله دلایل شکل‌گیری آن می‌توان به جرم‌زایی نظام کیفری، شکست نظام اصلاح و درمان و پیشگیری از برچسب مجرمانه اشاره نمود. به لحاظ کاربردی و در عرصه جرم‌شناسی، معامله اتهام ناظر بر تفاهم میان دادستان و متهم است. در این شرایط، مقام تعقیب‌کننده و متهم با یکدیگر قراردادی منعقد می‌کند که بر مبنای آن، متهم با پذیرش و اقرار به ارتکاب جرم و قبول مجرمیت از منافع ناشی از قانون بهره‌مند می‌شود. در این صورت، مقام تعقیب‌کننده جرم نیز رفتار توأم با تساهل و تسامح در پیش می‌گیرد که در قالب تحفیف مجازات و یا کاستن از تشدید مجازات جلوه می‌شود (اوران و ریزا، ۲۰۰۹، ۳). بنابراین معامله اتهام همان طور که از نام آن پیداست به شرایط توافقی اشاره دارد که در یک طرف آن، مجرم و در طرف دیگر آن نیز دادستان قرار دارد.

۵-۲. مزایای معامله اتهام از نظر حقوق کیفری

امریکا

مهم‌ترین اهداف معامله اتهام، کمک به کاهش جرایم و همچنین جبران کردن نواقص ناشی از سیاست‌های اصلاح مجرمان بوده است. استدلال مدافعان معامله اتهام آن است که سیاست اصلاح و

درمان و بازپروری مجرمان به تنهایی نمی‌تواند باعث کاهش جرایم شود. جرم‌زایی نظام عدالت کیفری در واقع به معنای آن است که پس از اثبات جرم و مشخص شدن اتهام، اصلی‌ترین واکنش نظام عدالت کیفری، به کارگیری مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی است. اگر اقدامات تأمینی و تربیتی عادلانه و در چارچوب موازین و اصول واکنش‌های کیفری باشند، مشروع و پذیرفتنی است (طاهری بجد، ۱۳۸۵، ۴۷) اما اگر اقدامات صورت گرفته خارج از چارچوب و اصول باشد، نظام کیفری به اهداف اساسی خود از جمله اصلاح و تربیت بزهکار و مجرم دست نخواهد یافت. از جمله مواردی که ممکن است در فرایند مجازات مجرم و بزهکار صورت گیرد، نحوه برخورد نظام عدالت کیفری، پلیس و کارگزاران اجتماعی با آنان است. بدین معنا هنگامی که فرد وارد نظام کیفری می‌شود، افکار عمومی و مجریان دستگاه قضایی، تحلیل درستی از مفاهیمی همچون مظنون، متهم، مجرم و بزهکار ندارند و افراد را به‌سان یکدیگر در نظر می‌گیرند (وایت، ۱۳۸۱، ۹۳). این شباهت‌انگاری باعث می‌شود تا همه مجرمان، صرف‌نظر از تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند، به‌سان یکدیگر در نظر گرفته شوند و مجرمان خطرناک و غیرخطرناک با هم آمیخته و یا تابع مقررات مشابهی شوند. در هر صورت این رویه باعث می‌شود تا امکان سازگاری فرد با ذهنیت ساخته شده، وی را به عنوان فردی مجرم در نظر گیرد. برای جلوگیری از چنین ادغامی در محیط‌هایی مانند بازداشتگاه و یا زندان، باید اصل عدم مداخله را در

نظر گرفت. به عبارتی در چنین شرایط حساس و مهمی باید از مداخله کیفری به نحو مطلوبی بهره برد و از نهادهایی همچون معامله اتهام استفاده نمود (وایت، ۱۳۸۱، ۱۹۳).

۵-۲-۱. جایگزینی برای نظام اصلاح و درمان

مجرمان

موضوع دیگری که باعث توجه نشان دادن به معامله اتهام می‌شود شکست نظام اصلاح و درمان بزهکار است. در برنامه‌های اصلاحی و بازپروری استدلال می‌شود که هدف این است که برنامه مداوای روانی-اخلاقی با در نظر داشتن شرایط لازم برای تأمین امنیت جامعه جهت بهبود وضعیت مجرم و همچنین فراهم کردن شرایطی برای سازش‌پذیری اجتماعی وی مطرح است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳، ۲۹۰). پشتوانه فلسفی رویکردهای اصلاحی و درمانی این است که مجرمان صرفاً افرادی شرور نیستند که نتوان امیدوی به اصلاح و بازسازی نگاری آنان با جامعه داشت. بلکه آنچه می‌تواند مبنای تغییر در رفتارهای آنان باشد، بهره‌گیری از روش‌های اصلاحی و بازپرورانه است. هدف نهایی رویکردهای اصلاحی آن است که مسیر مناسبی برای بازگشت بزهکاران به زندگی سالم اجتماعی و در نتیجه پیشگیری از تکرار جرم تهیه کنند و برای مجرمان به کار گیرند (کاتینگهام، ۱۳۸۴، ۶۳). اما با شکست سیاست‌های اصلاحی و بازپرورانه در دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ م، این استدلال مطرح شد که اقدامات اصلاحی و درمانی دیربازده بوده و حتی برخی از مجرمانی که تحت فعالیت، اقدامات

بازپرورانه بودند، مجدداً به زندان برگشتند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۸، ۸۴). علاوه بر این، تعیین نهاد زندان به عنوان محلی برای اقدامات بازپروری مشکلات زیادی را برای مجرمان اصلاح‌پذیر ایجاد کرده که در نهایت به معنای عدم کارایی اقدامات اصلاحی بود. همین اقدامات و از جمله دیربازده بودن رویکردهای اصلاحی باعث شد تا تلاش برای حبس‌زدایی و توسل به نهادهایی همچون معامله اتهام بیش از پیش احساس شود.

۵-۲-۲. جلوگیری از اطاله دادرسی

عامل دیگری که باعث تشویق به کارگیری سیاست‌های کیفری معامله اتهام شده بود، جلوگیری از اطاله دادرسی و تلاش برای اصلاح رویه‌های سنتی در فرایند اثبات جرم است. به عبارتی دیگر، راه رسیدن به دادرسی مطلوب و ایده‌آل آن است که انتظارات مردم در زمینه کاهش اطاله دادرسی محقق شود (ابراهیمی، ۱۳۷۹، ۱۷۳). منظور از اطاله دادرسی طولانی شدن فرایند دادرسی در مراجع و نهادهای قضایی است که در مراحل مختلف رسیدگی اعم از تحقیقات، محاکمه و اجرا پدید می‌آید (گلدوست جویباری و پیوست، ۱۳۹۰، ۹۵). امروزه اطاله دادرسی یکی از چالش‌های اساسی در فرایند دادرسی به شمار می‌رود و تلاش‌ها برای کاستن از روند رسیدگی به امور کیفری، دغدغه نظام‌های حقوقی است. حامیان معامله اتهام، این روش را یکی از مؤثرترین روش‌ها برای جلوگیری از اطاله دادرسی می‌دانند، زیرا در فرایند معامله اتهام، فرایندهای غیررسمی و توافق

۵-۲-۳. ایجاد رویه گفت‌وگو میان مجرم و

دادستان

نقش دیگری که معامله اتهام در حقوق کیفری آمریکا دارد، کاهش مجازات و تخفیف آن از طریق سیاست‌های تعامل‌گرایانه و مبتنی بر گفت‌وگو میان دادستان و متهم است. در این روش خاص که با عنوان «معامله مجازات» نیز شناخته می‌شود، متهم و دادستان پس از دستیابی به یک توافق در خصوص جرایم ارتكابی، درباره میزان و نوع جرم و همچنین مجازاتی که برای آن در نظر گرفته شده است، چانه‌زنی می‌کنند. در وهله اول در خصوص میزان مجازات، دادستان پیشنهادهای خفیف‌تری را به دادگاه ارائه می‌کند. سپس ممکن است دادستان از برخی از اتهامات مطرح شده علیه متهم چشم‌پوشی نموده و یا از اتهامات خفیف‌تری در این زمینه استفاده نماید تا در نهایت موجب کاهش مجازات متهم شوند (درامبل، ۲۰۰۷، ۱۶۷). معامله اتهام در هر شرایطی به مجازات مجرم نمی‌انديشد. استدلال مطرح شده درباره ارتباط این موضوع با قضا‌دایی آن است که در مواقعی که جرم ارتكابی سبک و هزینه‌های تعقیب نیز برای نهاد رسیدگی‌کننده زیاد باشد، و همچنین اقدامات تأمینی و تربیتی برای بازگرداندن مجرم به زندگی شرافتمندانه مهیا نباشد، تعقیب جرم و مجازات کردن بزه‌کار امر درستی نیست. هرچند این موضوع نیز می‌تواند تحت تأثیر سیاستی خاصی از طرف مراجع ذی‌صلاح صورت گیرد. به عنوان مثال ممکن است از آنها خواسته شود تا پرونده‌های کم‌اهمیت را در برخی قلمروهای تعیین‌شده تعقیب

میان دادستان و متهم، باعث ممانعت از اطلاع دادرسی می‌گردد. در ایده معامله اتهام برای جلوگیری از اطلاع دادرسی استدلال می‌شود که رسیدگی با تأخیر نسبت به پرونده‌ها با گذشت زمان طولانی از وقوع آن، اثر بازدارندگی و ارعابی مجازات را از بین برده و باعث تجری افراد، مخصوصاً مجرمان حرفه‌ای و ناامیدی مردم به دستگاه قضایی می‌شود (گلدوست جویباری و اکبری، ۱۳۸۸، ۲۸۳). بنابراین کاربرد معامله اتهام آن است که باعث جلوگیری از تضییع حقوق مردم در مراجعه به دستگاه قضایی شده و اهمیت آن در جامعه امروزی نیز بسیار محسوس است. بی‌توجهی به رسیدگی سریع و دقیق به پرونده‌های کیفری باعث عدم ارائه خدمات مطلوب به افراد جامعه شده و به تأخیر در اجرای عدالت منجر خواهد شد (عبادی، ۱۳۸۵، ۴۷). در همین راستا، برخی از اسناد بین‌المللی الزام‌آور و ارشادگر، رسیدگی به پرونده‌های کیفری در مدت زمان معقول مورد تأکید قرار گرفته است. مثلاً قسمت ج بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، بند ۱ ماده ۸ پیمان آمریکایی حقوق بشر ۱۹۷۸ و... نمونه‌هایی از این اسناد به شمار می‌روند (همان، ۴۹). که با آگاهی از نقش این سازوکار در بهبود عملکرد نظام عدالت کیفری، دولت‌ها را به سمت توجه بیشتر به آن رهنمون ساخته‌اند.

بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های نظام حقوقی، بهره‌گیری از نهادهای جامعوی و همچنین اتخاذ رویکرد «رواداری کیفری» است (نیازپور، ۱۳۹۰، ۱۹).

تلاش‌هایی که می‌توانند در ارتباط به معامله اتهام در قوانین کیفری تفسیر شوند، ناظر بر امکان کنش‌گری طرفین دعوای کیفری از جمله مجرمان است که فرایند کیفری را به بستری برای توافق و چانه‌زنی در نظر می‌گیرد. در این نگرش جدید، که نگرشی شهروندمدار است، بزهکاران به عنوان عضو جدیدی از جامعه در نظر گرفته شده که نیازمند رویکردهای انسان‌مدارانه برای بازگرداندن آنها به جامعه است. این رویکردها به عنوان بخشی از رواداری کیفری در نظر گرفته شده که به دست‌اندرکاران عدالت کیفری این امکان را می‌دهد تا در قبال بزهکاران انعطاف معقولی داشته و امکان توافقی شدن آئین دادرسی کیفری را فراهم نمود. این نگرش در واقع فاصله گرفتن از «نگرش دشمن‌مدار» و استفاده از سرکوب مجرمان و متهمان است. با این اوصاف، آئین دادرسی کیفری بستری برای توافق و قرارداد میان مقام‌های قضایی و بزهکاران است تا به موجب آن مناسب‌ترین تصمیم برای پاسخ‌دهی به بزهکاری گزینش شود (نیازپور، ۱۳۹۰، ۲۲). در این حالت، آیین دادرسی از روند سنتی خارج شده و به سوی جنبه‌های سازشی و مبتنی بر گفت‌وگو به پیش می‌رود. این راهکارهای سازشی با به رسمیت شناختن اراده مرتکبان جرم، گویی فرایند پاسخ‌دهی را به عنوان بستری برای انعقاد قرارداد در نظر گرفته که در یک

نکنند یا اینکه برخی فعالیت‌های ضداجتماعی را که در مواقعی از زمان بسیار خطرناک محسوب می‌شوند، با قاطعیت و سخت‌گیری تعقیب نمایند (لواسور، ۱۳۷۷، ۷۱-۷۲). بر همین اساس، با توجه به تشخیص مقام قضایی و با در نظر داشتن میزان جرم و سابقه‌دار بودن و یا نبود مجرم، شرایط برای استفاده از معامله اتهام فراهم می‌شود.

۵-۳. معامله اتهام در حقوق کیفری ایران

معامله اتهام به صورت مشخص و با همین عنوان در حقوق کیفری ایران و حتی فقه مطرح نشده است، اما جلوه‌های متعددی در حقوق کیفری دیده می‌شود که می‌تواند به عنوان مصادیق و یا موارد مرتبط با معامله اتهام در نظر گرفته شود.

۵-۳-۱. توجه به عدالت ترمیمی

اولین جلوه مشخص آن، توجه نشان دادن فقه و حقوق کیفری ایران به جنبه‌های مختلف عدالت ترمیمی است. در عدالت ترمیمی به شکلی که میان طرفین جرم، گفت‌وگو حاصل شود، می‌توان در ارتباط با معامله اتهام تفسیر نمود. گام اول در این زمینه پذیرش جرم ارتكابی از سوی مجرم و حتی تعهد وی به عذرخواهی از بزه‌دیده است. در این باره تعهدات ترمیمی معطوف به پرداخت غرامت به بزه‌دیده و یا انجام امری عام‌المنفعه است (سماواتی پیروز، ۱۳۸۴، ۴۱). معامله اتهام در این زمینه در قالب تلاش برای میانجی‌گیری دنبال می‌شود، زیرا روش‌های پیشین که مبتنی بر اجرای کامل مجازات علیه مرتکبان نیست، بلکه به دنبال

طرف آن، مقامات قضایی و در طرف دیگر آن نیز بزهکاران و متهمان قرار دارند. این راهکار هرچند به معنای دقیق کلمه تحت عنوان «معامله اتهام» قابل طرح نیست، اما دنباله‌رو و در راستای اهداف و اصول آن قابل تفسیر است.

در قوانین ایران برای نخستین بار در سال ۱۳۶۴، تصویب قانون تعلیق اجرای مجازات و پیش‌بینی شرط تعهد بزهکار برای در پیش گرفتن زندگی شرافتمندانه در واقع مشابه همین روندی است که در معامله اتهام دنبال می‌شود. زیرا در اینجا نیز اصل بر همکاری و توافق میان مقام قضایی و بزهکار در زمینه تعیین سرنوشت دعوای کیفری است. همچنان که برای شکل‌گیری یک عمل حقوقی دو طرفه، تنها اراده انشایی یکی از طرفین کفایت نمی‌کند، بلکه باید اراده دو طرف در ایجاد توافق و برقراری روابط مبتنی بر همکاری وجود داشته باشد (شهیدی، ۱۳۸۶، ۲۸). در این وضعیت، شرایط لازم برای تعامل مؤثر برای توافق و همکاری میان دو کنش‌گر (یعنی مقام قضایی و بزهکار) است. از اینجاست که می‌توان مصداقی برای معامله اتهام در قوانین داخلی پیدا کرد.

برخی از دیدگاه‌ها از «تعویق تعقیب» در مرحله قبل از دادرسی به عنوان نوعی سیاست معامله اتهام یاد کرده‌اند. روش مذکور در نظام کیفری گذشته و امروز ایران به شکل صریح شناسایی نشده، ولی شماری از قضات با دادن مهلت به متهمان جهت جلب رضایت شاکی - بزه‌دیده در عمل تعقیب دعوای کیفری را به تأخیر می‌اندازند. نویسندگان قانون آیین دادرسی کیفری این شیوه را در قسمت

نخست ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ش، مورد توجه قرار داده‌اند. براساس این ماده «در جرایم تعزیری درجه شش تا هشت که قابل تعلیق هستند، دادستان می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب مهلتی که بیش از دو ماه نباشد به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند...». شکل‌گیری نهادهایی این چنین در فرآیند کیفری در راستای اهداف مدیریتی، کاهش تراکم پرونده‌های کیفری، کاهش جمعیت کیفری و یا بر مبنای یافته‌های علمی مانند جلوگیری از برچسب‌زنی، اصلاح مجرمان، فردی کردن مجازات‌ها و غیره است. در استفاده از این روش حتی استدلال شده است که تأخیر در رسیدگی به پرونده‌ها با روح عدالت سازگاری ندارد. بنابراین سرعت بخشیدن به پرونده‌های کیفری از جمله موارد تأثیرگذار در مدیریت عدالت کیفری، قضازدایی و کاستن از حجم و تعداد پرونده‌های قضایی است. به همین دلیل، راهبرد سیاست ارفاقی با تأکید کردن به سرعت‌بخشی به رسیدگی‌های کیفری درصدد افزایش کاری دستگاه عدالت کیفری هستند. رویکرد معامله اتهام و تعلیق تعقیب دعوای کیفری از جمله مصادیق روشن در رسیدگی‌های کیفری در این زمینه هستند (خزانی، ۱۳۷۷، ۱۵۰). استدلال مطرح شده در این زمینه آن است که تسریع در دادرسی‌ها به نفع جامعه است. زیرا تعقیب کیفری بزهکار، صدور و کاربست سریع

مجازات نسبت به آنان زمینه‌ها برای ارتکاب جرم را از بین می‌برد.

۵-۳-۲. تعلیق مجازات به مثابه معامله اتهام

نمونه دیگری از مصادیق معامله اتهام در حقوق کیفری آن که می‌تواند به قضازدایی نیز منجر شود، در مرحله صدور و اجرای حکم است. معلق ساختن اجرای مجازات در ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ش دیده می‌شود. در این ماده بیان شده است که متوقف کردن مجازات کسی که به کیفرهای تعزیری محکوم شده تا چنانچه در مدت معینی پس از ارتکاب جرم، مرتکب جرم دیگری نشود و از احکام و دستورات دادگاه در این مدت معین، تبعیت نماید که در این صورت محکومیت او کان‌لم‌یکن تلقی می‌شود (اردبیلی، ۱۳۹۳، ۲۱۵). در این صورت، به کارگیری شیوه تعلیق مجازات در واقع نوعی توافق میان مجرم و دادگاه صادرکننده است که پس از احراز مجرمیت متهم، قاضی پرونده با در نظر گرفتن شرایط لازم و از جمله وجود شرایط قانونی از اجرای مجازات به صورت موقت موافقت نموده و در سوی مقابل نیز مجرم موظف است که در آن زمان تعیین شده، از ارتکاب جرم جدیدی خودداری نماید. این راهبرد، بر توافق یعنی بر رضایت مقام قضایی و بزهکار مبتنی است و به مجرم فرصت می‌دهد تا با نرمش نظام عدالت کیفری مواجه شود. به دیگر سخن، توافقی شدن آئین دادرسی کیفری با «رویکردی مداراگرایانه» درصدد نشان دادن انعطاف کیفری نسبت به آن دسته از بزهکاران است که از سوء

پیشینه کیفری مؤثر برخوردار نبوده و اقدام‌های «پسابزهکاری» گویای پشیمانی آنان است.

۵-۳-۳. میانجی‌گیری به مثابه معامله اتهام

در قوانین داخلی که منبعث از فقه است، بحث میانجی‌گیری مطرح شده است. با طرح همین مسأله، میانجی‌گر یا تسهیل‌کننده با هر یک از افراد درگیر در جرم، ارتباط برقرار می‌کند و به صورت ویژه و جداگانه با بزه‌دیده و بزهکار صحبت می‌کند. ابتدا میانجی‌گر انتظارات و نیازهای هر یک از طرفین را می‌شنود و در مرحله بعدی نیز تلاش می‌کند تا نظرات آنان را نسبت به یکدیگر نزدیک ساخته و اقدام به تفاهمی ترمیمی نماید. این توافق ترمیمی که طی اعمال فرایند میانجی‌گری بین طرفین جرم حاصل می‌شود، با امعان نظر به نتایجی است که در نتیجه وقوع جرم، در سطح فردی و نیز در سطح اجتماعی ایجاد شده است. بنابراین بزهکار با پی بردن به نتایج زیانبار جرم ارتكابی خود برای بزه‌دیده، قلباً تقصیر خود را می‌پذیرد و داوطلبانه خود را متعهد به عذرخواهی از بزه‌دیده می‌کند. باز در زمینه قضازدایی در پرونده‌های کیفری از منظر فقهی استدلال می‌شود که در برخی از جرائم تعزیری که مبنای آنان قاعده فقهی «التعزیر بما یراه الحاكم»، است (محقق داماد، ۱۳۷۹، ۱۹۳)، قضات می‌توانند از اصل شخصی کردن پاسخ‌های عدالت کیفری و در نهایت از معلق کردن تعقیب دعوای کیفری بهره ببرند. بدین معنا که در جرایم تعزیری که نحوه پاسخ‌دهی به آنان به نظام عدالت کیفری سپرده شده است، مقامات قضایی از این

آزادی برخوردار هستند که نسبت به صدور قرار تعلیق تعقیب دعوای کیفری اقدام نمایند (شاملو احمدی، ۱۳۸۴، ۳۶۹). با این حال نباید این نکته را نظر دور نگاه داشت که تعقیب بزه کاری مهم ترین تکلیف دادستان است و باید به موجب آن در راستای حفظ مصالح عمومی و پاسداری از ارزش های اساسی جامعه گام بردارد. در نتیجه، تصمیم گیری در خصوص ادامه یا توقف تعقیب دعوای کیفری منحصراً از اختیارات وی بوده و طبیعتاً قرار مذکور باید از سوی دادستان صادر شود. به همین دلیل اداره حقوقی قوه قضاییه نیز طی اطلاعیه ای، صدور قرار تعلیق تعقیب را از جمله اختیارات دادستانی در نظر گرفته است.

۵-۴. معامله اتهام و قضازدایی

قضازدایی در ارتباط با مقامات تعقیب جرم به معنای استفاده آنان از روش های نوین عدالت کیفری و جدایی از رویکردهای سنتی و کلاسیک کیفری است. در واقع این وجه از عدالت کیفری با هدف از کاستن از وزن حقوق کیفری و بهره گیری از راهکارهای جایگزین در رسیدگی به اختلافات جنایی است (مک گلین، ۲۰۰۱، ۷۰۲). قضازدایی در این معنا دو هدف اصلی را دنبال می کند؛ اول به دنبال دور کردن بزهکاران و دیگر افراد درگیر با جرم است و دوم اینکه خواستار مشارکت و همکاری وی در زمینه پذیرش جرم و معامله و همکاری در قبال جرم و مجازات تعیین شده برای وی است. در این معنا، قضازدایی به معنای نادیده گرفتن از فرایند کیفری معمول به صورت موقتی و قبل از

رأی صادره توسط دادگاه است که می تواند باعث مشارکت بیشتر متهم در برنامه های غیرکیفری گردد (خزانی، ۱۳۷۷، ۱۵۵). در این صورت، هدف نظام نوین کیفری که به دنبال انسانی کردن مجازات است، قرابت بیشتری پیدا می کند.

در هر صورت، قضازدایی یکی از مصادیق عدالت کیفری و حتی از افتخارات هر نظام حقوقی به شمار می رود که یکی از راهکارهای محقق شدن آن، بهره گیری از معامله اتهام و صور گوناگون آن در نظام های حقوقی است. توضیح اینکه معامله اتهام با مسؤول پذیر کردن متهم در قبال جرایمی که وی صورت می دهد، علاوه بر شناسایی و مقصر دانستن وی، تلاش می کند تا مانع برچسب زنی به متهم شود. بدین ترتیب روند دادرسی به نحوی به پیش می رود که تا حد امکان از برچسب زنی به متهم پرهیز نموده و به بزهکار تفهیم نمایند که مسؤولیت اعمال و رفتارهای خویش را بر عهده بگیرد (دوت، ۱۳۸۲، ۱۰۱). با مشخص شدن اتهامات، دادستان برای کاستن از تعداد پرونده ها و ممانعت از شکل گیری پرونده برای جرم مورد نظر، اقدام به وساطت کرده و با بهره گیری از تعلیق مجازات، استفاده از احکام تعزیری و... اقدام به سازش میان طرفین دعوی و یا متهم و مقام قضایی می نماید. در این صورت، آئین دادرسی کیفری در پرتو راهبرد مذکور از حالت یک سویه خارج شده و در مواردی جنبه سازشی به خود گرفته است. این راهبرد با به رسمیت شناختن اراده مرتکبان جرم، گویی فرایند پاسخ دهی را بستری برای انعقاد قرارداد فرض کرده که در یک سوی آن، مقام های قضایی و در سوی

دیگر آن بزهکاران قرار دارند. در این معنا، آئین دادرسی کیفری بستری برای توافق و قرارداد میان مقام‌های قضایی و بزهکاران است تا به موجب آن مناسب‌ترین تصمیم برای پاسخ‌دهی به بزهکاری گزینش شود (نیازپور، ۱۳۹۰، ۲۲). این رویکرد سبب می‌شود تا نظام عدالت کیفری به شکل پویا، دورنمای خود را ترسیم کرده و برای دستیابی به اهداف آینده از همه قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها، بهره گیرد؛ نه این که بصورت انفعالی فقط در برابر کنش بزهکاری، واکنش کیفری نشان دهد.

۶. نتیجه

معامله اتهام یکی از نهادهای مهم در قلمروی فرایند کیفری است که به موجب آن دادستان و متهم با یکدیگر توافق می‌کنند تا از یک‌سو، متهم اقرار به ارتکاب جرم کند و از سوی دیگر، دادستان متعهد می‌شود تا مجازات قانونی را کاهش دهد. به عبارت دیگر، معامله اتهام شکلی از مذاکره است که به موجب آن دادستان و وکیل متهم قراردادی را منعقد می‌کنند تا یک یا چند اتهام متهم را بدون محاکمه حل و فصل کنند. در ایالات متحده آمریکا، معامله اتهام اشکال متفاوتی به خود می‌گیرد. در قسم اول آن یعنی در صورتی که فرد مرتکب یک جرم واحد می‌شود، چانه‌زنی برای مجازات ملاک عمل قرار می‌گیرد؛ یعنی فرد با پذیرش مجرمیت خود از تخفیفی قانونی برخوردار خواهد شد. لذا، چانه‌زنی برای مجازات وقتی رخ می‌دهد که دادستان و متهم در خصوص میزان مجازات مذاکره می‌کنند. با این حال، بسته به اهمیت و پیچیدگی

دعوی، مذاکرات می‌توانند ساده و سریع یا پیچیده و کند باشند. در حالت دوم، فرد با عناوین متعدد اتهامی مواجه است. در این صورت یا به دیگر سخن در تعدد اتهامات، معامله در رابطه با نوع اتهام صورت می‌پذیرد؛ زیرا در این شرایط متهم با تعدد عناوین اتهامی مواجه است که بسته به نوع آن‌ها، با تشدید مجازات روبرو خواهد شد. به همین دلیل، در این شرایط، دادستان و متهم بر سر پذیرش یک اتهام توافق می‌کنند، متهم اقرار به ارتکاب آن جرم می‌کند و در ازای آن اعتراف، دادستان از دیگر اتهامات صرف‌نظر می‌نماید. مطابق «نظریه مذاکره»، طرفین، سعی در گزینش بهترین گزینه (نتیجه بُرد-بُرد) می‌نمایند. معمولاً در دعوی کیفری طرفین دارای چنین حق انتخابی نیستند. لیکن معامله اتهام با فراهم آوردن چنین حق گزینشی برای طرفین معامله، فرصتی در آن رابطه را به طرفین اعطا می‌کند. همچنین در ایالات متحده رایج‌ترین برگ برنده متهم در فرایند مذاکره، موافقت وی برای انصراف از حق محاکمه توسط هیأت منصفه است؛ زیرا قانع ساختن افرادی از اқشار مختلف جامعه که لزوماً از اطلاعات حقوقی تخصصی برخوردار نیستند، امری ساده نیست و از طرفی دادستان نیز با چالشی مشابه مواجه خواهد بود. ضمن آن که فراهم‌آوری و برگزاری دادگاه‌هایی با وجود هیئت منصفه دارای هزینه‌های فراوان برای نظام قضایی خواهد بود. هرچند برخی از ایالات تجربه نسخ و صرف‌نظر از نهاد معامله اتهام را دارند، اما دانش و معرفت حاکم این است که ایالت‌های پُرجمعیت‌تر، منابع و کارکنان کافی برای صرف‌نظر

از نهاد معامله اتهام ندارند و به همان دلیل عدم به کارگیری آن نهاد عملاً امری ناشدنی است.

با وجود آن که میانجی‌گری به عنوان نهاد زمینه‌ساز تصویب نهاد معامله اتهام در ایران به تصویب رسیده است، اما با توجه به فقدان مقرر قانونی مشخص، در حال حاضر ممکن است که معامله اتهام به صورت غیررسمی و در فرایندهای پلیسی یا دادسرا انجام پذیرد. به عبارت دقیق‌تر، در این حالت، معامله اتهام کاملاً مبتنی بر تعهد اخلاقی و بر اساس مذاکرات شفاهی است. این امر که بر خلاف اصول بنیادین معامله اتهام است، موجب می‌شود تا در عمل حقوق متهم تضییع شود؛ زیرا در متهم در فرایند کیفری در موضع ضعف قرار دارد. در پرونده‌های بسیاری مشاهده شده است که با وجود معامله میان پلیس با متهم مبنی بر معامله بر سر مجازات یا عناوین اتهامی متعدد و انجام تعهد توسط متهم، اما نیروی پلیس از تعهد خود سرباز زده است. به همین دلیل، در حال حاضر، عدم مکتوب شدن توافق و عدم تأیید آن توسط قاضی مشکلات بسیاری را به همراه می‌آورد. این امر که بخشی از آن ناشی از اخلاق و فرهنگ عمومی حاکم بر جامعه و بخش دیگر آن مربوط به سوءاستفاده از قدرت است، در عمل وضعیت معامله اتهام را به یک معامله یک طرفه تبدیل کرده است که در آن فقط نظام عدالت کیفری سود می‌برد. لذا، به نظر می‌رسد که تصویب قانون در قالب ماده واحده یا الحاق موادی به قانون آیین دادرسی کیفری در باب معامله اتهام از یک‌سو از حجم پرونده‌ها کم کند و از سوی دیگر به پیشگیری از سوءاستفاده از قدرت

منجر شود. بدین ترتیب، طرح تصویب ماده واحده‌ای در خصوص تأسیس حقوقی نهاد معامله اتهام در نظام کیفری ایران و نحوه اجرای آن امری ضروری است.

پیشنهادهای

برای عملی شدن نهاد معامله اتهام و ورود آن به نظام حقوقی کیفری ایران در راستای تسریع روند دادرسی کیفری و قضا‌دایی به نظر می‌رسد که تصویب قانون در قالب ماده واحده یا الحاق موادی به قانون آیین دادرسی کیفری در باب معامله اتهام از یک‌سو از حجم پرونده‌ها کم کند و از سوی دیگر به پیشگیری از سوءاستفاده از قدرت منجر شود. بدین ترتیب، ماده واحده‌ای در خصوص تأسیس حقوقی نهاد معامله اتهام در نظام کیفری ایران به شرح ذیل پیشنهاد می‌شود:

ماده واحده- در جرایم تعزیری درجه شش تا هشت، دادستان می‌تواند در صورتی که متهم جبران خسارت از بزه‌دیده را انجام دهد و سابقه کیفری مؤثر نداشته باشد، پیشنهاد معامله اتهام را به متهم دهد. متهم می‌تواند پیشنهاد معامله را رد یا قبول کند. در صورت پذیرش معامله، این امر باید ناشی از اراده آزاد متهم و با اختیار تمام و کمال وی صورت پذیرد.

تبصره ۱- انواع معامله اتهام بر اساس نوع اتهام به شرح زیر است:

۱) چنان‌چه متهم تنها با یک عنوان اتهامی مواجه باشد، معامله بر سر میزان مجازات است. در صورتی که متهم مجرمیت را بپذیرد، تخفیف مجازات تا

۸. تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافی وجود ندارد.

نصف حداقل مجازات پیش‌بینی شده در قانون خواهد بود.

۲) چنان‌چه متهم با عناوین اتهامی متعدد مواجه باشد، معامله بر سر پذیرش یک اتهام است. در صورتی که متهم یک نوع اتهام را در توافق با دادستان قبول کند، دادستان دیگر اتهامات او را در نظر نمی‌گیرد.

تبصره ۲- معامله صورت گرفته باید به صورت مکتوب نوشته شود و به امضای دادستان و متهم برسد. هم‌چنین قاضی اجرای احکام به عنوان عضو ناظر صورت‌مجلس را امضا می‌کند.

تبصره ۳ - معامله صورت گرفته میان دادستان و متهم باید به شعبی از شعب دادگاه‌های کیفری ۲ ارسال شود. قاضی رسیدگی‌کننده تنها باید مسئله معامله اتهام را از حیث مسائل شکلی و با در نظر گرفتن ماده واحده و تبصره‌های آن مورد بررسی قرار دهد. چنان‌چه تشریفات موجود رعایت شده باشد، دادگاه معامله اتهام را تأیید می‌کند.

تبصره ۴- چنان‌چه دادستان از اجرای تعهد خود سرباز زند، متهم می‌تواند از طریق قاضی اجرای احکام اجرای مفاد معامله را بخواهد.

تبصره ۵- چنان‌چه متهم از اجرای تعهد خود سرباز زند، دادستان می‌تواند تعقیب کیفری را آغاز کند.

۷. سهم نویسندگان

مسئولیت مطالب مطرح شده در مقاله بر عهده نویسنده مسئول است و مقاله حاضر نیز حاصل تلاش مشترک نویسندگان است.

منابع

- شهیدی، مهدی، حقوق مدنی ۳ (تعهدات)، چاپ دهم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۶.
- طاهری بجد، محمد علی، خشونت‌سازی و فرایند عدالت کیفری رهیافتی جرم‌شناسانه و تطبیقی به آموزه نفی خشونت، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات محراب فکر، ۱۳۸۵.
- عبادی، محمد اسماعیل، «علل اطاله دادرسی و راهکارهای جلوگیری از آن»، نشریه حقوقی قضاوت، شماره سی و هفت، ۱۳۸۵.
- کاتینگهام، جان، «فلسفه مجازات»، ترجمه ابراهیم باطنی و محسن برهانی، مجله فقه و حقوق، شماره چهارم، ۱۳۸۴.
- گلدوست جویباری، رجب، اکبری، جهاندار، «عوامل انسانی اطاله دادرسی در امور کیفری»، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره چهل و نهم، ۱۳۸۸.
- گلدوست جویباری، رجب، پیوست، رحمان، «نقش قضاوت در اطاله دادرسی»، نشریه دیدگاه‌های حقوقی و قضایی، شماره پنجاه و چهارم، ۱۳۹۰.
- لواسور، ژرژ، «سیاست جنایی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره یازده و دوازده، ۱۳۷۷.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه بخش جزایی، چاپ نخست، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۹.
- آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۲.
- ابراهیمی، زین‌العابدین، «بررسی علل اطاله دادرسی در محاکم عمومی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه حقوقی دادگستری، شماره سی و دوم، ۱۳۷۹.
- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳.
- حاجی ده‌آبادی، محمد علی، «اصلاح مجرمان در سیاست جنایی تقنینی ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره سوم، ۱۳۸۸.
- خزانی، منوچهر، بررسی نظری و عملی تسریع آیین دادرسی کیفری، فرایند کیفری (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۷.
- خزانی، منوچهر، فرایند کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۷.
- دوت، ج. هرز، «میانجی‌گری بین مرتکب و بزه‌دیده»، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل‌زاده، نشریه حقوقی دادگستری، شماره چهل و دوم، ۱۳۸۲.
- سماواتی پیروز، امیر، «میانجی‌گری در زندان؛ رویکرد مشارکتی با مدیریت حبس»، ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره چهل و هفتم، ۱۳۸۴.
- شاملو احمدی، محمدحسین، پیرامون دادسرا، چاپ نخست، تهران، انتشارات دادیار، ۱۳۸۴.

منابع لاتین

- Drumbl, Mark A. Atrocity, Punishment and International Law, New York, Cambridge University Press, 2007.
- Mcaughlinn, Eugene, Muncie, John. The Sage dictionary of Criminology, London, 2001.
- Oren Gazal, Ayal, Limor, Riza. Plea Bargaining and Prosecution, European Association of Law and Economics, working paper, No. 13, 2009.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ چهارم، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۳.
- نیازپور، امیرحسین، توافقی شدن، آئین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- وایت، راب، هینس، فیونا، درآمدی بر جرم و جرم-شناسی، ترجمه روح الله صدیق بطحایی اصل، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۱.